

نقش امپریالیسم امریکا در "بحران خلیج فارس"

واکنش نشان داد. یکی از مشاورین عالی رتبه رولاند ریگان در امور خارجی، از این واقعه هوایی بعنوان "یک نقطه عطف" یاد کرد. ("نیوزویک" ۱۸ ژوئن)

شخص ریگان ظاهراً از این "افزایش تشنج و اعمال قهر" اظهار تاسف نمود. اما بقیه در صفحه ۳

در تاریخ ۱۵ خرداد ماه، رادیو ریاض (عربستان سعودی) گزارش داد یک جنگنده "ناشناس" - که بعداً معلوم شد متعلق به جمهوری اسلامی ایران بوده است - توسط هواپیماهای نیروی هوایی پادشاهی سعودی بر فراز آبهای خلیج فارس سرنگون شده است. دولت آمریکا بلافاصله در این رابطه

اکثریت

نشریه‌های سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

جمعه ۸ تیر ۱۳۶۳ برابر ۲۹ ژوئن ۱۹۸۴
بها ۴۰ ریال - سال اول - شماره ۱۳

پیام تسلیت

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به کمیته مرکزی حزب کمونیست ایتالیا

اطمینان داریم که طبقه کارگر و خلق ایتالیا تحت رهبری حزب کمونیست ایتالیا در راه صلح و دموکراسی و سوسیالیسم پیش خواهد رفت.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
دبیروال - فرخ نگهدار
۱۶ ژوئن ۱۹۸۴

به: کمیته مرکزی حزب کمونیست ایتالیا
رفقای گرامی!

با نهایت تأثر و تاسف درگذشت رفیق انریکو برلینگوئر که ضایعه بزرگی برای جنبش کمونیستی ایتالیا و تمام دنیا است را به شما و تمام کمونیستهای ایتالیا تسلیت می‌گویم. خدمات رفیق برلینگوئر به طبقه کارگر و تمام مردم ایتالیا ارزشمند و برجسته است.

یورش حکومت

برای بازپس گرفتن "املاک وقفی" از زحمتکشان

پروسی رشد افسارگسیخته‌های برخی از کالاهای مصرفی در سه ماهه اول امسال

تصویری از يك فلاکت واقعی

گزارش اداره آمار اقتصادی بانک مرکزی، شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران، در فروردین ۱۳۶۳ نسبت به ماه قبل ۱/۲ درصد افزایش یافته و در مقایسه با فروردین سال گذشته ۱۵/۷ درصد ترقی یافته. بقیه در صفحه ۶

رشد افسارگسیخته قیمتها، در بازار بی‌دروپیکری کماکان سرشته داران آن کاملاً به "عنايت خاصه" سردمداران رژیم "انکال" دارند، همچنان ادامه دارد. حتی آمار دست کاری شده دولتی نیز نمی‌تواند ابعاد وحشتناک رشد قیمتها را، از دیده‌ها بپوشاند. برطبق

تظاهرات و گرد همایی

در شهر مدرس هندوستان در اعتراض به سیاستهای سرکوبگرانه رژیم ج.ا.

در تاریخ ۷ ژوئن تظاهرات و گرد همایی اعتراضی در شهر مدرس برگزار گردید که صدها نفر از نیروهای مرفی هندوستان در آن شرکت جستند.

در صفحه ۹

زنده باد صلح!

به دنبال تعهد متقابل رژیم‌های ایران و عراق در قطع بمباران شهرهای دوشو، آرامشی نسبی بر منطقه حکم فرما شده است. بمباران شهرها که یکی از جنایات بارترین اقدامات رژیمها حاکم دوشو بود، نفرت و انزجار عمیقی را برانگیخت. همراه با مردم ما و مردم عراق، همه نیروهای خیراندیش در جهان قطع فوری این اقدام جنایت‌بار را مطالبه می‌کردند. در برابر نیرومندی اعتراضات، راه ادامه لجاجت رژیمهای ایران و عراق بسته شد و به ناچار به پذیرش تعهد فوق‌تر دادند.

در سه هفته گذشته در مجموع همراه با قطع بمباران شهرهای مسکونی، حمله به کشتی‌های نفتکش و آبراههای بین المللی خلیج فارس نیز کاهش یافت. اگر چه تاکنون حکومتهای ایران و عراق رسماً تقبل نکرده‌اند تا از ادامه این حملات، که خلاف قوانین و موازین بین المللی صورت می‌گیرد، اجتناب نمایند، و بسیار در اواسط هفته گذشته نفتکش عظیم دیگر موسوم به اسکند رکیور مورد حمله هوایی عراق، قرار گرفت.

قطع بمباران شهرهای مسکونی و تخفیف حملات دریایی باعث شده است تا زنده شدن تشنج در منطقه کاسته شود. خواست و آرزوی مردم ایران و عراق، خلقهای منطقه و نیروهای صلح دوست سراسر جهان اینست که آرامش نسبی کنونی، سراغی برای قطع دائمی جنگ و ویرانی و کشتار باشد. اما در برابر آن نیروهای جنگ طلب و محافل امپریالیستی و ارتجاعی با سماجت می‌کوشند آتش جنگ

بقیه در صفحه ۲

تأسیس حزب کمونیست ایران

در ۶۴ سال پیش

نوید بخش رهایی زحمتکشان

در صفحه ۲



جنگ را قطع کنید! مردم صلح می‌خواهند

زنده باد صلح!

بقیه از صفحه اول

سودمند " نامیده است ، چپ کشادی د وخته اند . قطع جنگ و برقراری آرامش ، نقشه های د ورود راز آنان را بی سرانجام خواهد گذاشت . آنگونه که مطبوعات گزارش کرده اند ، امپریالیست های آمریکایی اکنون از جمله در تدارک کشاندن نیرو های اسرائیلی به منطقه خلیج فارس هستند ، تا همراه با نیرو های آمریکایی به کنترل تردد در آبراه های بین المللی خلیج بپردازند . روشن است که برای تداوم جنگی این همه " سودمند " همه امکانات و توانایی های امپریالیست ها و متحد نشان به کار گرفته می شود .

بر چنین زمینه ای است که آرامش نسبی کنونی بسیار شکننده به نظمی آید ، اما در عین حال وضعیت موجود آمده و تسلیم رژیم های د و کشور ایران و عراق به خواست مردم مبنی بر قطع مبارزات ، بیانگر این واقعیت است که توانایی جنگ افروزان در انکار مطالبات صلح طلبانه مردم بی حد نیست . وضعیت کنونی نشان می دهد که واکنش و اعتراض نیرو منهدم مردم د و کشور ایران و عراق سراسر جهان ، می تواند رژیم های این د و کشور را به تسلیم وادارد .

در همین ما ، اعتراض علیه جنگی که جرمز نکبت ، ویرانی و مرگ به بار نمی آورد ، هر چه گسترده تر شده است . اینک وسیع ترین اقلیت مردم از جنگ ابراز انزجار می کنند . مبارزه علیه جنگ همواره اشکال تازه تری به خود می گیرد . و " شعار زنده باد صلح " ، مردم طنین قوی تری می یابد . مردم مادر مبارزه خود در راه صلح ، از حمایت و همراهی و سیخ نیرو های مترقی و صلح دوست در جهان ، مجامع بین المللی و د و لتهای ترقیخواه و سوسیالیست برخوردارند . تشدید و گسترش مبارزه این جبهه قدرتمند ، کار ادامه لجاجت رژیم جمهوری اسلامی را مشکل تر می کند . بر همین زمینه بود که به ناچار مقامات جمهوری اسلامی برای اولین بار به پذیرش علنی تعهدی در امر جنگ تن داده اند . این تجربه ثابت می کند که با ارتقای مبارزه مردم در راه برقراری صلح و گسترش دامنه آن ، می توان همه مقادیر رژیم را ، برای ادامه جنگ ، درهم شکست . در چنین صورتی آرامش نسبی ، شکننده و موقت کنونی به صلح پایدار بدل خواهد شد .

رضاخان از همان آغاز تاسیس حزب ، نوک تیز حملات و حشیانه خود را متوجه آن ساخت . زندانهای ایران و از آن جمله زندان قصر ، همواره ملو از کوه نیست ها بود . استبداد رضاخانی که نمی توانست ، شاهدها و جگجری جنبش دمکراتیک بطور کلی و بویژه فعالیت حزب کمونیست ایران باشد ، بالاخره " قبانون سیاه " منع تبلیغات کمونیستی را از مجلس دست بقیه در صفحه ۵

همچنان شعله ورمیاند . باینکه جبهه مدافعان صلح هر روز بیشتر از پیش قدرتمند تر می شود ، اما مقادیر و مت جنگ طلبان و آتش افروزان بالاجت و سجاجت همچنان ادامه دارد . و تخفیف نسبی تشنج به معنای آن نیست که راه گسترش مجدد آن سد شده باشد .

محافل امپریالیستی و ارتجاعی در حفظ آشوب و تشنج کنونی منطقه ، بویژه روی اقدامات رژیم جمهوری اسلامی حساب می کنند که با گزینش شعار " جنگ ، جنگ تا پیروزی " گستاخانه با هر گامی که در راه ایجاد صلح برداشته شود ، مخالفت می نماید . سردمداران جمهوری اسلامی ، که مسئولیت سنگین کشتار دردناک هزاران هزار تن را در میادین جنگ برگردن دارند ، همچنان با سجاجت به ادامه راهی نظرد وخته اند که خلاف آرمانها و مصالح مردم میهنان و نیرو های صلح و ترقی در جهان است . آنها بی اعتنا به سرنوشت رقت بار هزاران جوانی که در باتلاقها و بیابانهای حاشیه مرز ایران و عراق به خون در غلطیده اند و بی اعتنا به همه تجارب پیشین ، خواب فتوحات نظامی را می بینند . بنابه گزارشات ، جنگ افروزان جمهوری اسلامی با سیخ و گسیل نیرو های تازه ای رزمینه سازی می کنند .

امپریالیست های آمریکایی به سختی می توانند رضایت خاطر آشکار خود را از تدارکات جنگ افروزان رژیم جمهوری اسلامی پنهان نمایند . همانگونه که نتوانستند نقش و سهم خود را در ارسال تجهیزات نظامی ، تادای که جنگ فرسایشی تداوم یابد ، پنهان کنند . امپریالیسم بمثابة دزدی که به بازار آشفته می خواهد ، خواستار حفظ آشفتنگی و تشنج در منطقه ماست . این حقیقت ، هیچگاه راز سبزه مهربی نبوده است . حتی د و لتهای جمهوری اسلامی نیز به کرات به آن اعتراف کرده اند . پیشبرد طرحهای تجاوز گرانسه ، مداخله جویانه و غارتگرانه امپریالیستی در کسرو حفظ آشفتنگی و تشنج است . آنها به همه آن سود هایی که تا به امروز از قبل جنگ میان ایران و عراق برده اند ، اکتفا نمی کنند و برای بهره گیری باز هم بیشتر از جنگی که " اسحاق شامیر " نخست وزیر اسرائیل ، آنرا " جنگ

از یک جهان بینی علمی و انقلابی ، احتیاج و وفاداری به همبستگی بین المللی ، پیگیری انقلابی و میهن پرستانه و دفاع سرسختانه از منافص کارگران و زحمتکشان میهنان ، توانست بلا فاصله در عرصه سیاست و مبارزه نقش شایان توجیهی را ایفا نماید .

حزب کمونیست ایران ، در مبارزه با استبداد رضاخانی ، نقش مقدم را بر عهده داشت . پلیس

تأسیس حزب کمونیست ایران

در ۶۴ سال پیش

نوید بخش رهایی زحمتکشان

شصت و چهار سال پیش ، آخر خرداد - اوایل تیرماه ۱۲۹۹ ، حزب سوسیال دمکرات کارگری ایران - " عدالت " ، به دنبال کنگره خود د ر بندرانزلی ، تاسیس حزب کمونیست ایران را رسماً اعلام نمود . حزب " عدالت " که در جریان تدارک و انجام انقلاب مشروطیت ، بر سر تدارک سازمانهای سوسیال دمکرات ایران (اجتماعيون عاميون) بوجود آمده بود ، سه سال بعد د ر پی غلبه بر راکندگی های ناشی از سرکوب انقلاب بود و متعاقب آن دست یابی به تمرکز سازمانی ، حزب کمونیست ایران را بنیاد نهاد . فعالین این جنبش که همواره در صفوف ، مقدم جنبش رهایی بخش مردم ایران جان بازی می کردند ، از د و طریق اصلی نقش تاریخی خویش را ایفا می کردند :

۱ - از راه کوشش در جهت تشکیل و ایجاد حزب انقلابی بر بنیاد های سوسیالیسم علمی ، انترناسیونالیسم پرو لتری و تشکیلات لنینی
۲ - از راه یاری به تجمع و شکل کارگران در صفوف سازمانهای اتحادیه ای و انجمن های صنفی ، سوسیال دمکراسی انقلابی ایران ، از نخستین مراحل جنبش ، اش در ارتباط عمیق سرشتی با انترناسیونالیسم پرو لتری بوجود آمد . فعالین آن میهن پرستانی بودند که به گفته شاعر آذربایجانی سعید سلماسی " در سنگر های انقلاب مشروطه جان خود را نثار کردند " . آنان سوسیالیسم را پدیده ای فرانسوی ، انگلیسی ، آلمانی یا روسی نمی دانستند ، بلکه این اندیشه علمی و د و رانساز را ، اندیشه نجات بخش ارد و ی جهانی کار و متعلق به تمامی زحمتکشان در سرتاسر گیتی می دانستند .

تشکیل حزب کمونیست ایران را بطنه عمیق با مقتضیات و شرایط ملی و بین المللی آن د و ر ه داشت . عقب ماندگی قرون وسطایی مناسبات فئودالی ، گسترش ناپسمانی اوضاع کشور متعاقب

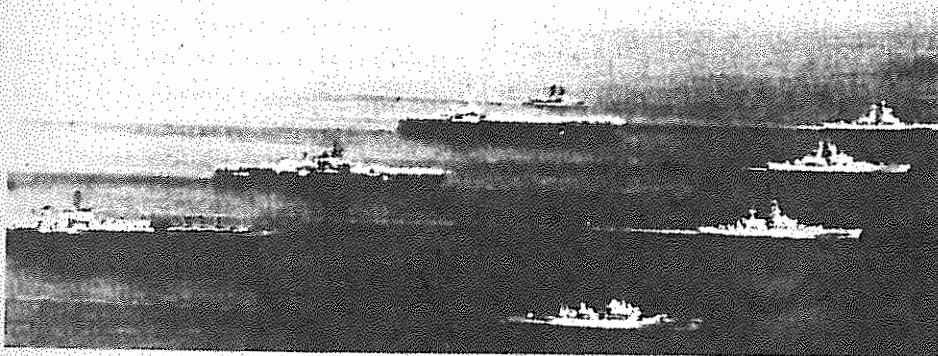
سرکوب انقلاب مشروطیت ، اشغال اراضی کشور از طرف د و ل امپریالیستی در جنگ جهانی اول ، خود کامگی مقامات محلی خدمت رضاخان و مجرومیت طاقت فرسای توده های زحمتکش از یک طرف ، و تاثیر پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر و تاسیس اولین د و لست سوسیالیستی جهان در همسایگی میهنان از طرف دیگر ، اعتلای جنبش ملی - ضد امپریالیستی رادار ایران سبب می شود و بر سر تاد چینی شرایطی است که حزب کمونیست ایران ، بمثابة گردان پیشاهنگ طبقه کارگر ، سازمان خود را بی می ریزد .

حزب کمونیست ایران ، به سبب برخورداری

نقش امپرياليسم امريكا در بحران خليج فارس

حدود ۳۰ کشتی جنگی دیگر، به این منطقه گسیل شده است. در اقیانوس هند و پایگاه "دیه گوگارسيا" نیز نیروهای دیگری از جمله ناوهای "میدوی" و "رنجر" آماده عمل اند. آمریکا علاوه بر افزایش حضور مستقیم نظامی خود، با اسرائیل متجاوز نیز "پیمان همکاری استراتژیک" بسته است که گام دیگری در جهت اجرای نقشه های جنگ افروزان به شمار

پل "نظامی و پایگاهی علیه اتحاد شوروی بنگرند. حتی فرمانده کل نیروهای ناتو در اروپا، ژنرال راجرز، چند سال پیش گفت امکان آغاز جنگ جهانی آینده، در محور خاور نزدیک - خلیج فارس - اقیانوس هند، بیش از هر جای دیگر است. در شرایط کنونی پنتاگون اجرای نقشه استراتژیکی موسوم به "گسترش اقلی



بقیه از صفحه اول
اینک، هفته نامه "اشپیگل" - وابسته به جناحی از سرمایه داری آلمان فدرال - فاش ساخته است که خود رئیس جمهور آمریکا اوایل ماه ژوئن "موافقت اصولی" خود با دخالت نیروهای آمریکا در چین بر خوردی را ابراز کرده بود. "اشپیگل" در شماره ۱۸ ژوئن خود می نویسد که یکی از خلبانان جنگنده های اف-۱۵، که هواپیمای ایرانی را سرنگون کردند، آمریکایی بوده است. به نوشته هفته نامه آمریکایی "نیوز ویک"، هواپیماهای آواکس آمریکایی که در حریم هوایی عربستان سعودی پرواز می کردند، پرواز جنگنده های ایرانی را تعقیب نمود و موقعیت آن را به "اف-۱۵" های مهاجم اطلاع دادند، علاوه بر این، بنزین جنگنده های عربستان نیز توسط هواپیماهای سوخت رسان آمریکایی تامین شده است.

بدین ترتیب، پس از گلوله باران هواپیمای ایرانی توسط ناو جنگی آمریکایی در اسفندماه سال گذشته، بار دیگر آمریکا از نیروی نظامی خود در منطقه خلیج فارس استفاده کرده است، منتهی با شدت و خشونت به مراتب بیشتر از گذشته. بیهوده نیست که آن مقام آمریکایی از یک "نقطه عطف" سخن می گوید.

تشدید و خامت وضع در منطقه، تا حدی که پای مداخله مستقیم امپریالیزم آمریکا بصیان آمده است. امری که پنتاگون تا چند سال پیش تنهایی توانست رویای "شیرین" آن را در سر بپرواند. ما را بر آن می دارد که مروری بر روند خطرناکی که در ماهها هفته های اخیر در خلیج فارس طی شده است، داشته باشیم. روندی که اگر از آن، در سبب های لازم گرفته نشود، می تواند فجایع باز هم بیشتری را به ملل منطقه تحمیل کند.

هدف آمریکا: استفاده از کانونهای تنش برای محاصره نظامی اتحاد شوروی

اهداف و نقشه های امپریالیزم آمریکا در خلیج فارس، جدا از استراتژی عمومی آن در سطح جهان نیست. ریگان خود علناً مهمترین هدف سیاست خارجی دولت آمریکا را تحت فشار قرارداد کشورهای سوسیالیستی و در رأس آنان اتحاد شوروی، به همه طرق ممکن، اعلام کرده است. هر چند در منطقه خاور میانه مساله مهم نفت نیز نقش عمده ای در محاسبات استراتژیک دولت آمریکا ایفا می کند، اما مهمترین هدف ریگان در این منطقه پیش بردن لشکرکشی "صلیبی" علیه اتحاد شوروی است. نزدیکی خلیج فارس به مرزهای جنوبی کشورهای عربی، طراحان سیاست آمریکا را به این فکر انداخته است که به این منطقه به ثابه "سیر

تنش"، یعنی توسعه درگیری های مسلحانه به تعداد هر چه بیشتری از کشورهای مناطق هر چه بزرگتری را، در نظر دارند. رئیس پرده دود ایجاد شده از این تشجیات و درگیریها، بتواند نیروهای نظامی خود را هر چه پیشتر به نزدیکی مرزهای اتحاد شوروی انتقال دهد. بهمین دلیل، واشنگتن منطقه خلیج فارس را که هزاران کیلومتر از مرزهای آمریکا فاصله دارد، بعنوان "حریم منافع حیاتی" خود اعلام کرده است و خود را مجاز می داند در این "حریم" هر گونه توطئه نظامی ای را به اجرا درآورد.

آمریکا سال گذشته ستادی به نسام "فرماندهی مرکزی" در ایالت فلوریدا تشکیل داد که وظیفه آن، هماهنگ کردن عملیات نظامی پنتاگون در حوزه ای وسیع است. از شمال آفریقا گرفته تا پاکستان و از کنیا گرفته تا ایران. ژنرال کینگستون فرمانده مین ستیاد که بر ۳۰۰ هزار سرباز - از جمله واحد سرآمد لشکر ۸۲ چتر باز - فرمان می راند، چندی پیش گفت وی اختیارات تام برای استفاده از نیروهای مسلح آمریکایی مجهز به سلاح هسته ای در منطقه خلیج فارس را دارد.

"فرماندهی مرکزی" در حقیقت جایگزین نیروی "اقدام سریع" شده و وظایف جنگی آن را بر عهده گرفته است.

تنها در سال ۱۹۸۴، دولت ریگان ۹/۱ میلیارد دلار "کمک" نظامی برای منطقه خلیج در نظر گرفته است. ویک، نا گروه بزرگ منجمد و ناو هواپیما بر "کیتی هاوک" و "آمریکا"، حامل دهها هواپیمای جنگی، و

می رود. نقش نیروی نظامی آمریکا در کشورهای مرتجع عرب نیز پیوسته رو به افزایش است. واحدهای زیادی از ارتش آمریکا در عربستان سعودی، از جمله در پایگاه دهران، مستقر شده اند. در آن پایگاه خلبانان آمریکایی نه فقط مشغول تعلیم دادن به سعودی ها هستند، بلکه خود نیز با هواپیماهای دارای سیستم الکترونیک آواکس بر فراز خلیج پرواز می کنند. مدتهاست در پاکستان واحدهای ویژه مداخله در منطقه، در حال انجام تمرینات فشرده ای هستند.

همه این اقدامات ماجرایی است، مدتها قبل از بالا گرفتن تنش در خلیج فارس و مطرح شدن بهانه "به خطر افتادن کشتی رانسی آزاد" تدارک دیده شده و آغاز گردیده است، اما طبیعی است که جنگ ایران و عراق، در شتاب بخشد. به این توطئه ها به کمک آمریکا آمدن و حتی می توان گفت زودتر از آنچه خود پنتاگون تصوری کرد، وضعیتی را موجب شد که به آمریکا امکان داد این چنین به آشوبگری در خلیج بپردازد.

بنابراین، علت علاقه آمریکا به شروع گسترش این جنگ، اکنون بیش از هر زمان روشن شده است. این برژنسکی مشاور امنیتی کارتر بود که به نوشته هفته نامه "عصر جدید"، از طریق سرویس مخفی عربستان سعودی، شایعه به زانو درآمدن سریع رژیم ایران در صورتیک حمله نظامی را مطرح ساخت و از این راه، در ترغیب و تشجیع عراق به شروع یک ماجراجویی

بقیه در صفحه ۱۰

یورش حکومت برای بازپس گرفتن "املاک وقفی" از زحمتکشان

کشا و رزان، در تملک زمینی که بر روی آن کار می کنند زیرپا نهاده شده است، نقشی که کار آنان در ایجاد یک ارزش جدید در رابطه با این زمینها ایفا کرده است نیز نادیده گرفته می شود.

روستائیان در چارچوب اصلاحات ارضی

شاهانه، به ناحق بهای این زمینها را پرداخته اند، سالیان متدیدی بر روی آنها کار کرده و اکثر آنها را از حالت بایر به صورت دایر درآورده اند و بنا بر این دارای یک حق مضاعف در مالکیت این زمینها می باشند. از این رو این اقدام دولتی نمی توان عنوانی جز یک حق کثی مضاعف نهاد.

"موقوفه داری" در جمهوری اسلامی در واقع تدویم شرعی مالکیت استثمارگران در بارها، بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران مشتمل است.

تاکید حاکمیت بر حفظ "موقوفه داری" انگیزه اقتصادی معینی دارد. در ایران، کیست که نداند درآمد های سازمان اوقاف - که رقمی نزدیک به ۲ میلیارد ریال در سال است - (در سال ۶۲) - عمدتاً به جیب چه

کسانی سرانبرمی شود؟ "موقوفه خواران" که در ایران جماعتی از دیرباز شناخته شده اند، اکنون ۲ میلیارد ریال کفافشان را نمی دهد و به فکر افزایش این "وجه شرعی" از طریق بازپس گرفتن املاک وقفی از روستائیان و دیگر زحمتکشان، افتاده اند. اعتمادیان هدف حاکمیت از جنگ اندازی بر روی املاک موقوفه تحت تملک زحمتکشان را تخصیص بودجه بیشتری برای "زنده نگه داشتن اسلام" اعلام می کند و با این کار خود نیت اصلی رژیم در این اقدام، ضد مردمی را بر ملا می سازد.

اعتمادیان وقتی که از "مراجعة تعداد زیادی از کشا و رزان در خصوص روشن شدن وضعیت زمینهای زراعی موقوفه ای که در اختیار داشتند" سخن می گوید، در واقع به مقاصد زحمتکشان در برابرین تعرض "موقوفه خواران" اشاره دارد.

روستائیان میهن ما به سازمان اوقاف همچون یک نهاد بزرگ مالکی می نگرند و در تجربه روزمره خود پی برده اند که این سازمان در واقع قیم و وصی در بارها و خانه های خون آشام و مشرعی است که یک عمر به استثمار آنان بسنده نکرده اند و اکنون برای خیرات خویش نیز دسترنج آنان را از طریق موقوفه خواران، به غارت می برند. موج تبلیغی وسیعی که موقوفه خواران درباره "حرمت تملک اموال وقفی" به راه انداخته اند، روستائیان زحمتکش میهن ما را از راه بدر نخواهد برد و از مقاصد آنان در برابر سازمان اوقاف و دیگر نهاد های مشابه با آن - که جزئی از مقاصد عموم می باشد - در برابر تعرض بزرگ مالکان و حامیان آنان است - نخواهد کاست.

ابتدایی، موقوفات برگردد و مردم نیز باید متوجه مسایل شرعی خود باشند. (کیهان ۱۲ خرداد - تاکید از ماست)

به دنبال واعظ طبسی، سید محمد مهدی دستغیب متولی شاه چراغ شیراز نیز موقوفه را مختتم شمرد تا با و قاحت حکم نظیری دعاوی خود در مورد کل شهر میمند و تعداد زیادی از روستا - های استان فارس را مطرح سازد. او در طوسی صاحب ای بارو زنامه کیهان ۲۱ خرداد مساه امسال، اعلام کرد: "موقوفات تصرف شده توسط دولت آستان مقدس حضرت شاه چراغ بسیار زیاد است و چیزی از آنها در حال حاضر در دست نیست. به عنوان مثال شهر میمند، که یکی از موقوفات شاه چراغ است و در وقف نامه، تاشی خاتون مادر شاه اسحاق، این منطقه را از ابتدای کوه تا انتهای کوه، وقف کرده است، اما تنها یک باغ آن در دست دولت می باشد" او آنگاه از میان روستاهای وقفی بی شماری که در استان فارس، وقف دستگاه اوست روستاهای "برمیان و میلک" در مورد دست را مثال می زند که در تصرف زارعین قرار گرفته و ما برای بازگرداندن آنها، امید زیادی داریم.

مجلس حکومتی اول دردی ماه سال گذشته بر مجوز شرعی موقوفه خواران جامه - قانونی پوشانید و مقرر داشت که از این پس "کلیه موقوفاتی که بدون مجوز شرعی به فروش رسیده و یا به صورتی به مالکیت درآمده باشد، به رسمیت خود برمی گردد و اسناد مالکیت صادر شده باطل و از درجه اعتبار ساقط است."

اکثریت قریب به اتفاق املاک موقوفه در ایران از جانب شاهان و شاهزادگان، شهبانوها (خواتین)، امرا، خوانین و تجار بزرگ بازار به صورت وقف درآمده اند. اگر دولت به قانون اساسی وفادار بود، با انکار اصل ۴۹ این قانون، می توانست این سؤال را مطرح سازد که آیا اصولاً این حضرات مجاز بوده اند املاکی را از جنگ زارعینی که بر روی آنها کار می کنند بیرون کشیده و صرف خیرات خود سازند؟ پاسخ ما به این سؤال قاطعانه منفی است. از این رو، این اقدام دولت، سازمان اوقاف و دیگر نهاد های مشابه با این سازمان را باید از اساس نفی کرد. وقتی مساله از این زاویه نگریسته شود، پیوند مساله زمینهای وقفی با مساله ارضی در ایران آشکار می شود. در واقع تصمیم دولت مبنی بر بازپس گرفتن املاک موقوفه یکی از اقدامات تبعی دولت در رابطه با دفاع از بزرگ مالکی و مخالفت با انجام یک رقم ارضی بنیادین است.

در این تصمیم دولت علاوه بر این که حق

چندی است که حکومت در صد درآمد است که بر آن دسته از اموال موقوفه ای که در تملک زحمتکشان و خاصه روستائیان است، جنگ بیفکند. محمد رضا اعتمادیان، سرپرست سازمان اوقاف طی مصاحبه ای که در روزنامه اطلاعات به چاپ رسیده، پس از اشاره به این که زمین های کتا و رزی تحت اختیار این سازمان، در سالهای گذشته زیر عنوان اصلاحات ارضی به کشا و رزان فروخته شده است، می گوید: "طبق سئوالی که در زمینه معامله بر سر مالکیت اموال وقفی از حضرت امام خمینی شده است، ایشان این گونه معاملات را باطل اعلام کرده اند." (اطلاعات - ۸ اردیبهشت ۶۳)

روزنامه اطلاعات ۲۳ اردیبهشت نیز پس از درج این خبر که "اسناد مالکیت کلیه موقوفاتی که بدون مجوز شرعی به فروش رسیده و یا به صورتی به مالکیت درآمده باشد، باطل و از درجه اعتبار ساقط است" مجدداً از قول اعتمادیان می نویسد: "کلیه املاک مزروعی که در اجرای قانون اجاره تبدیل به احسن و واگذار د هات و مزارع موقوفات عام مصوب سال ۵۰ به زارعین صاحب نسق انتقال و بین آنها تقسیم شده بود. نیز با حفظ مصلحت وقف با متصرفین و زارعان اجاره نامه تنظیم می شود."

سازمان اوقاف بر آن است که ابتدا در رابطه با "حرمت فروش موقوفات" از طریق "ائمه جمعه و مبلغین" در سراسر کشور دست به کار تبلیغی بزند، و آنگاه در ظرف ۳ سال کلیه این املاک را از زارعین پس بگیرد. هر کس که به میل خود حاضر به استرداد آنها شد به صورت مستاجر درخواهد آمد، در غیر این صورت بهانه ای به دست این سازمان خواهند افتاد که با پرداخت مبلغی ناچیز مالکیت آنان را فسخ کند.

میزان این املاک از این قرار است: "۲۸ هزار و پانصد و نوزده رقم موقوفه، ۶ هزار و نهصد و هشتاد و نه فقره قریه و مزرعه موقوفه عام و ۶ هزار و هشتاد و دو فقره زمین تعدادی زارعین صاحب نسق بر موقوفات نیز برابریست با ۲۲ هزار و چهارصد و چهل و شش نفر" (اطلاعات ۲۳ اردیبهشت)

همزمان با این حرکت سازمان اوقاف واعظ طبسی "نماینده امام و تولیت آستان قدس رضوی" در مصاحبه ای با روزنامه کیهان اعلام کرده است: "مقرر شد در مورد بخش مهمی از اراضی موقوفات آستان قدس رضوی واقع در شمشیران، اویسن، ورامین، شهرری و میدان آزادی، از طریق محاکم قانونی اقدام شود و بدون آنکه مشکلی برای مردم به وجود آید (۱) بعد از طی مراحل

گرامی باد خاطره سعید سلطانیور، هنرمند و انقلابی برجسته خلق

غزل شکنجه

اگرچه در تب تند شکنجه می سوزم
زخون ریخته خورشید هامي افروزم

شکست پیکرم از آذرخش خونالود
دمید تند رگهای جان و دم

به خون تپیده ام از تازیانه ها، که چرا
نهنگ شحره خونا بمی زید، نوزم

نشسته در شب خونین، کنار آتش زخم
زیرگون، تپش زندگی می آموزم

هزار شعله خاموش می کشم بر لب
هزار نعره خون در جگر می اندوزم

به چشم خسته مبین آهوانه ام در بند
به خشم خفته نگر، خوابگاه پلویزم

چنان هوای سحرزد بسر شبانه مرا
که شاخه شاخه فرو ریخت روی سر، روزم

چو آفتاب به میدان صبح خواهد رست
حماسه لب خونین و چشم خونتوزم

سعید سلطانیور

کینه توزانه همراه با بازداشت شدگان حوادث
اخیر، به جوخه اعدام سپرده شد " (کار -
شماره ۱۱۵ - ۳ تیر ۶۰)

کارنامه ادبی و هنری سعید سلطانیور،
گواه تعهد عمیق او به آرمانهای خلق و انقلاب
است. کتابهای "صدای میرا"، "از کشتارگاه"،
"ایستگاه"، "حسنگ"، "نوعی از هنسرها"،
نوعی از اندیشه "و کارگردانی نمایشنامه هایی
چون "دشمن مردم"، "اثرا یسین"، "آمو رگاران"،
"اثر محسن یلغانی"، "چهره های سیدون ماشار"،
"اثر پرست و "خرده بورژواها"، "اثر گورکسی"
همگی آینه سیاهی پرفروغ و متعهد ندکه شور
انقلابی بدان تلا لویی ویژه می بخشیدند.
درخشش این چهره را علاوه بر این کارنامه پر بار،
باید در شکنجه گاه های رژیم ددمنش پهلوی
نیز پی گرفت. او بارها به زندان آریامهری
افتاد و هزار بار صفحه درخشان دیگری برد فتر
مقاومت مبارزین خلق، افزود.

بالاخره جنایتی که آرزوی دشمنان
شاهنشاهی بود، به دست جلا ددان جمهوری
اسلامی برآورده شد. اعدام این هنرمند و
انقلابی برجسته، یکی از بارزترین لکه های
ننگ بی شماری است که بر دامان سیاه حاکمیت
کنونی ایران نشسته است.

یادرفیق سعید سلطانیور را گرامی
بداریم و خشم و اندوه خود را از فقدان او،
به نیروی پرتوان برای افشای جنایات رژیم
جمهوری اسلامی بدل سازیم!



نامت پرنده ای است
که یک روز
از آشیان سوخته
خون ریخته
پرواز می کند
پرمی کشد به سوی
افقهای تابناک
پرمی کشد به جنگل
پرمی کشد به دشت

سه سال از اعدام چریک فدایی،
سعید سلطانیور مبارز خستگی ناپذیر و پرسابقه،
شاعرو هنرمند برجسته خلق گذشت. آن هنگام
که جنایتکاران و دزدخیمان رژیم جمهوری اسلامی
این چهره پرفروغ را به جوخه اعدام سپردند،
"کار" ارگان سراسری سازمان مانوشت:

"مردم مبارز ایران آگاه هستند که
سعید سلطانیور، شاعر، هنرمند و نویسنده
مبارز ایران که نمونه مقاومت خلق مادر را بر
رژیم کثیف شاهنشاهی بود، نزدیک به سه ماه
پیش در مراسم عروسی اشرافیه اتهام واهی و
بی اساسی خروج غیرمجاز از، بازداشت شده
بود.

سعید سلطانیور ر که در زمان رژیم منفور
پهلوی، با جان و دل پیکار کرده و سخت ترین
شکنجه ها را در راه خلق، متحمل شده و سالیان
درازی از عمر خود را در زندان های رژیم وابسته
شاه گذرانده بود، بدون دلیل و به شیوه ای

تأسیس حزب کمونیست ایران

بقیه از صفحه ۲
نشاند خود گذراند تا دست و بال پلیس را در
اعمال فساد علیه کمونیستها و نیروهای دموکراتیک با زتر کند
حزب کمونیست ایران، به گواهی دهها
سند موجود، در طرح مسایل عمده جامعه
از جمله: مساله ارضی، ملی، استقلال سیاسی و
اقتصادی در مقابل استعمار، دموکراسی و عدالت
اجتماعی، مبارزه برای ترقی صنعتی، کشاورزی و
فرهنگی، برهمگره های سیاسی دیگر مقدم بود
حزب کمونیست ایران، برای نخستین بار
در میهنمان، شیوه علمی تفکر سیاسی و تحلیل
مسایل اجتماعی را اشاعه داد، بطوریکه بعد از
آغاز فعالیت خود، تمام حیات جامعه، به
نحوی از انحاء، تحت تاثیر شیوه تفکر، تحلیل
و حتی اصطلاحات خود قرار داد. ارگانهای
مطبوعاتی حزب نظیر روزنامه های حقیقت،
اقتصاد ایران، کار، پیکار (که در سالهای
۱۳۰۰ - ۱۳۰۲ در تهران منتشر می شدند)،

مارکسیست - لنینیست آسیا در کشور آنها
پایه گذاری شده است.

تاریخی که با حزب کمونیست ایران شروع
می شود، و با حزب توده ایران - بمشایه
وارث تجارب و سنتهای مبارزاتی کمونیستهای
ایران - ادامه می یابد، تاریخی است که
با سرشت و سرنوشت جنبش کارگری و دموکراتیک
میهنمان عجین شده است. و در یک کلام، کارنامه
مبارزاتی خلق های ما طبقه کارگر ایران را،
می سازد و امروز "آنها که این ثروت معنوی
و آثار و نتایج تاریخ ساز آن را مخدوش می کنند،
چه بدانند و چه ندانند، چه بخواهند و چه
نخواهند در آخرین تحلیل دشمنان خلق و طبقه
کارگر ایران اند. لکه دار کردن این پیشینه
اثبات سترونی خلق های ایران و فقر تاریخی
طبقه کارگر ایران است. و تلاش در این راستا،
جزیی از جنگ روانی ارتجاع و امپریالیسم علیه
جنبش آزادی بخش خلق های ایران نبود و
هست و خواهد بود."

مجلات خلق، جرقه و غیره (که در سالهای
۱۳۰۱ - ۱۳۰۲ در تهران به چاپ می رسیدند)
ارگانهای سیاسی و نظری حزب مانند مجله ستاره
سرخ (که در سالهای ۱۳۰۸ - ۱۳۱۰ در وین به چاپ می
رسید) روزنامه پیکار (که در سال ۱۳۱۰ در برلین
منتشر می شد) و مجله "دنیا" (که از بهمن ماه
۱۳۱۲ تا خرداد ۱۳۱۴ به چاپ می رسید)،
همه و همه اسناد تاریخی انکار ناپذیری در مورد
نقش شگرف حزب کمونیست ایران در تکامل
سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه ما است.
حزب کمونیست ایران بمشایه پیشاهنگ
طبقه کارگر، در رهبری مبارزات کارگری نقش
شمر آفرینی داشت. اعتصابات متهمی چون
اعتصاب کارگران نفت در سال ۱۳۰۸، اعتصاب
کارگران نساجی اصفهان در سال ۱۳۱۰، اعتصاب
کارگران راه آهن شمال در همین ایام، زیر رهبری
حزب کمونیست ایران انجام گرفت.
امروز کمونیستهای ایران، به حق افتخار
می کنند که یکی از نخستین سازمانهای انقلابی

متحد شویم! علیه کشتار و اختناق در ایران بپا خیزیم!

بررسی رشد افسار گسیخته بهای برخی از کالاهای مصرفی در سه ماهه اول امسال

تصویری از يك فلاكـت واقعی

بقیه از صفحه اول

را نشان می دهد " (اطلاعات - ۱۷ خرداد) بر طبق همین گزارش در فروردین ماه، قیمت سیب زمینی و پیاز، ترقی شدیدی داشت. در بین سایر اقلام خوراکی، بهای مرغ، تخم مرغ و نوشابه های گازدار، به دنبال حذف کمکهای مالی و بلا عوض دولت، افزایش یافت. قیمت سیگارهای وارداتی نیز به سبب بستن مالیات جدید روی آن ترقی نمود. همچنین سیر صعودی بهای حبوبات، خشکبار و غذای رستورانها و اماکن عمومی سرعت بیشتری بخود گرفت. " در گروه مسکن، قیمت آجر در مقایسه با سایر اقلام مصالح با افزایش قابل ملاحظه ای همراه بود و " در گروه اثاثیه، بهای قالی پس از چند ماه ترقی مداوم از حرکت باز ایستاد. در حالی که سیر صعودی قیمت برخی دیگر از اقلام، همچنان ادامه داشت. " (همانجا)

ارقام ارائه شده در پایان این گزارش را می توانیم در جدول زیر، خلاصه کنیم:

رشد شاخص بهای برخی اقلام در فروردین ۶۳ نسبت به فروردین ۶۲، طبق آمار بانک مرکزی:	
مواد خوراکی	۸ درصد
پوشاک	۱۸ "
مصالح ساختمانی	۲۳ "
خدمات ساختمانی	۳۵ "
کرایه خانه های مسکونی	۱۰ "
درمان و بهداشت	۹ "
اثاثه خانه	۱۰ "
تحصیل و مطالعه	۱۷ "
تلاآت	۴۳ "

گزارش وضعیت شاخص بهای کالاهای و خدمات مصرفی در مناطق شهری در طی اسفند ماه نیز حاکی از این است که این شاخص نسبت به ماه مشابه سال پیش ۱۷/۳ درصد افزایش داشته است. در اسفند ماه همچون فروردین ماه بهای میوه ها و سبزیهای تازه افزوده شده است. قیمت گوشت قرمز و بهای غذا در رستورانها و اماکن عمومی نیز بالا رفته است.

بهای اتوموبیلهای سواری در بازار آزاد، قیمت کفش و لباس و طبق معمول کرایه خانه های مسکونی نیز سیر صعودی داشته اند.

حتی گزارشهای ماهانه نیز به حد کافی قادر به تصویرشد قیمت کالاهای و خدمات مصرفی مردم نیستند. رشد قیمتها را باید در ایران، روز به روز و حتی ساعت به ساعت پی گرفت. هرچند روز يك بار، يك يا چند کالای مصرفی، به "کالای روز" تبدیل می شود،

خدمات ساختمانی و اجاره مسکن نیز طبق معمول قوس صعودی خود را طی می کنند. در اواخر فروردین ماه گوجه فرنگی به گفته آمارگران دولتی که همواره دست پایین را می گیرند ۹۹/۲ درصد افزایش قیمت می یابد (اطلاعات - ۱۸ اردیبهشت).

در اوایل اردیبهشت ماه فرآورده های لبنی کوششی می کنند خود را به میوه ها و حبوبات برسانند و برای این منظور تا ۲۸ درصد افزایش قیمت می یابند. در این دو قیمت سیب زمینی همچنان قوس صعودی خود را پیموده و چیزی نمی گذرد که هندوانه را نیز با خود همراه می سازد و در اواخر اردیبهشت در ابتدای صاف می ایستد. چندی نمی گذرد که پیاز، سبزیهای تازه، حبوبات و برخی از میوه ها نیز به سبب سیب زمینی و هندوانه می رسند. با شروع ماه رمضان برخی از شیرینی ها نیز قیمتشان دو برابر می شود، گوشت قرمز و مرغ نیز جزو مسایلی روز می گردند. صف نان نیز در این میان طولیتر می گردد و برای این که "عدالت اسلامی" کاملاً اجرا شود با قطع متادای آب و برق، این مشکل قدیمی نیز وجود و حضور خود را با تاکید بیشتری اعلام می کنند.

اداره آمار اقتصادی، رشد قیمت برخی از میوه ها و سبزیهای تازه در خرده و فروشیهای تهران را، در هفته ای که روز پایانی آن ۱۱ خرداد بوده است، چنین ترسیم می کند: در این هفته "در گروه حبوبات بهای اکثر اقلام آن بین ۱/۴ الی ۴/۴ درصد بالا رفت. ۰۰۰ عرضه انواع سیب درختی و پرتقال کاهش یافت و قیمت آنها بین ۱/۴ الی ۱۲/۵ درصد، همچنین بهای هندوانه ۴/۷ درصد ترقی کرد. در گروه سبزیهای تازه، قیمت اکثر اقلام آن بین ۱۰/۲ الی ۱۸/۱ درصد بالا رفت. ضمناً بهای سیب زمینی که ۲۴/۶ درصد ترقی همراه بود" (اطلاعات - ۱۷ خرداد)

جالب این جاست که مسئولین جمع آوری این آمار، در گزارش خود متذکر می شوند که نتوانسته اند در مورد رشد قیمت سیب زمینی در نواحی مختلف تهران، آمارگیری کنند، چرا که هرچه گشته اند، چشمشان به جمال این "کالای قاچاق" روشن نشده است، از این که به سبب زمینی، عنوان "کالای قاچاق" داده می شود، نباید تعجب کرد. مدتی است در صفحه حوادث جراید اربعه، از کشف "سیب زمینی قاچاق" نیز خبر داده می شود.

در واسطه خرد اما که دولت کاملاً مستاصل شده بود، بر آن می شود که در این آشفته بازار، تنها گریبان سیب زمینی و هندوانه را بچسبد. یورش ضعیف حکومت به این دو کالا تأثیر اندکی به جامی گذارد. طبق معمول سنواتی این دو قلم کالا که مثل بقیه شعار "جنبش، جنگ تا پیروزی" را از رژیم آموخته اند، بعد از يك سلسله "تبادل آتش" قیمت جدید خود را "تثبيت" می کنند. در پایان موقتی داستان

بقیه در صفحه ۱۰

ابتدا از عرضه آنها کاسته شده و بعد نایاب می شوند. قیمت این قبیل کالاهای یکبار به چند برابر می رسد و بلا فاصله بر روی کالاهای دیگر تأثیری گذارد. دولت از ترس واکنش مردم به دست و پایی افتد، کوششی کند خود بخشی از عرضه آن اقلام را به دست بگیرد؛ در همین اثنا یقه چند کاسب خرده پارانیز گرفته و تبلیغات آنجانی راه می اندازد و بلندگوهایش را وامی دارد که از "امت شهید پرور" بخواهند به جای اینکه غصه نان شیشان را بخورند، به جنگ فکر کنند. همه این تلا شها بالاخره بی ثمر می ماند و در بهترین حالت درصد محدودی از قیمت نهایی "کالاهای روز" کاسته می شود. دولت کوششی کند این قیمت را "تثبيت" کند. چنین نیز می شود. این قیمت که اکنون چند برابر میزان سابق - یعنی میزان حتی يك هفته قبل است تا دور بعد به آهنگ عمومی رشد بهای کالاهای تسلیم می شود و بلا فاصله کالای دیگری به موضوع روز بدل می گردد و باز روز از نو و روزی از نو.

برای اینکه توصیفی که از روند رشد قیمتها ارائه شد عینی تر شود، وضع بازار کالاهای و خدمات مصرفی را از ابتدای سال ۶۳ تاکنون مورد بررسی سریعی قرار می دهیم. در آستانه سال نو، قیمت کفش، پوشاک و خدمات مربوطه، قیمت اتوموبیلهای سواری و کرایه خانه ها و اکثر مواد خوراکی به یکباره بالا رفتند. دولت گمان می برد که با تبلیغ بر ضد سنت مردمی و ملی نورو می تواند از رشد قیمت این اقلام جلوگیری کند، غافل از این که با تبلیغات نمی توان عملکرد جبری يك مکانیسم عینی را خنثی نمود.

در اوایل فروردین ماه قیمت مرغ، تخم مرغ و نوشابه های گازدار به دلیل حذف سوپسید دولت بر روی این کالاهای افزایش سریعی می یابد. افزایش قیمت مرغ و تخم مرغ، بهای گوشت قرمز را در بازار آزاد بالا می برد و افزایش قیمت نوشابه های گازدار - از آنجایی که به دلیل گران شدن قیمت شکر تحویلی به کارخانه های نوشابه سازی صورت گرفته بود - طلایه دار رشد بیشتر قیمت شیرینی بعد از افزایش قیمت آن در آستانه سال نو، می گردد. بعد از این کالاهای نوبت به سیگار می رسد، دولت بر روی این کالا مالیات جدیدی می بندد و قیمت آنرا در واقع چند برابر می سازد.

چند روزی سیگار به مساله روز تبدیل می شود که ناگهان سیب زمینی، پیاز، گوجه فرنگی، حبوبات و میوه های فصلی به سرعت جای آنرا در اذهان پر کردند. قیمت کالاهای

یادی از مبارزات خونین کارگران کوره پزخانه‌های تهران

۲۵ سال پیش در بیست و سوم خرداد ماه ۱۳۳۸، کارگران کوزه پزخانه‌های تهران با حرکت توفنده خود، فصل درخشانی در تاریخ مبارزات کارگران ایران را گشودند. آن روز چهل هزار کارگر مبارز و خوشه‌بگین دست‌از کار کشیدند و با اعتصاب همگانی خود، ۱۲ روز صغیر کوره‌های بلند آجرپزی را خاموش کردند. و این شرایطی بود که سیستم ساواکی شاه، سایه منحوس ترور و اختناق فاشیستی را بر جای جای کشورمان گسترانده بود.

اعتصاب قهرمانانه کارگران کوره پزخانه‌ها در اعتراض به ساعات طولانی و شرایط توانفرسای کار، و استثمار و وحشیانه کارفرمایان در ادامه همان روند بود که اعتصاب ۲۰ هزار نفری آتیر ۱۳۳۲ یکی از فرازهای عمده آن را تشکیل می‌داد. اینبار هم از همان آغاز اعتصاب و حشمت برجان کارفرمایان و رژیم حامی آنها افتاد ساواک، پلیس و ژاندارمری محوطه کوره پزخانه‌ها را قرق کردند. اما کارگران، علیرغم تهدید و فشار رژیم به اعتصاب ادامه دادند.

خواست کارگران کوره پزخانه‌ها که در شرایط ظالمانه‌ای کار می‌کردند و در دخمه‌های اطراف کوره پزخانه‌ها با خانواده‌هایشان بسر می‌بردند، تأمین ابتدایی‌ترین حقوق کارگری بود. آنها خواهان افزایش دستمزد، بهبود شرایط کار و برخورداری از بیمه‌های اجتماعی بودند. اعتصاب ۴۰ هزار نفری کارگران، بعد از ۱۳ روز مقاومت دلیرانه، با یورش وحشیانه نیروهای مسلح به خاک و خون کشیده شد. پنجاه نفر به شهادت رسیدند، صدها نفر بقیه در صفحه ۹

زمان شاه، در همین زندان‌هایی که اکنون تابلوی جمهوری اسلامی، بر سرشان آویزان است، زیر شکنجه جلاان ساواک تا ستانه شهادت، پیش‌رفته بودند. اکنون تا زمان دیگری برپیکر آنان فرود می‌آید که با همان هدف، در فضا به چرخش درآمده است.

سازمان ما، به نیروی متحد پایدار فدائیان خلق به طبقه کارگران و انبوه میلیونی زحمتکشان، تا کسب پیروزی نهایی "اردوی بی شمار کار"، همچنان راه حماسه آفرین خود را خواهد پیمود. دشمنان خلق بی‌گمان در این مسیر قدم به قدم صدای جنگ سرخواهند داد باز، رفقای ازما در خون خود خواهند غلتید و باز بر لوح شهیدان مانا‌های دیگری درخشیدند خواهد گرفت، نام‌هایی که هریک منبع الهامی خواهد شد برای پویندگان راهی که تاریخ افقی روشن را در برابر آن گشوده است.

گرامی باد خاطره شهدای ۸ تیر آرمان انقلابی رفیقان شهید ما پیروز است.

چهره‌های برجسته رهبری سازمان، دیسری نباید که به اسطوره‌ای بدل شد و حکم نداد فدایی را پیدا کرد. ستیزه‌جویی و هوشیاری و تا آن هنگام که زنده بود، لرزه برتن دشمن می‌انگزد و آن هنگام که شهید شد نامش منبسط الهام طیف گسترده مبارزینی شد که بای گیری راه روبه کمال او باز خواب از چشم دشمنان می‌ریودند.

حمید تا آنجایی که چارچوب بینش و لیسه سازمان اجازه می‌داد، بر ارتباط با طبقه کارگر و کارتوده‌ای، تأکید مبرمی داشت، و رفیق پیشرویی بود. بیشتر از هر چیز، این سؤال ذهن او را به خود مشغول می‌داشت که چگونه می‌توان به سوی طبقه، سمت‌گیری کرد و سازمان را در جایگاه شایسته خود، نشان داد. او همواره بروحدت صف خلق، پای می‌فشرد. در این رابطه باید به موضوعی اصولی او در برابر توطئه گرانی که بر آن بودند با صورتک چپ، سازمان مجاهدین خلق را از هم بپاشانند، اشاره کرد. خود آن توطئه‌گران، بر این امر، گواهی داده‌اند.

شاه و دستگاه سرکوبگرش می‌پنداشتند که شهادت حمید در هشتم تیرماه ۵۵ نقطه پایان راه تکامل‌یافته سازمان ماست. آنان این آرزو را به‌گور بردند. سازمان‌مان به حیات پرافتخار خود ادامه داد و دیری نپایید که در تداوم راهی که شاخص‌های بارز آن عشق به خلق، مقاومت و کینه‌بی‌پایان به امپریالیسم بود، افق تابناکی را در برابر خود دید.

۸ تیر روز شهدای سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)

هشتم تیرماه، که افق شامگاه غمزه‌آلود آن روز خون رفقا حمید اشرف، یوسف قانع، خشک بیجاری، محمد رضا یثیری، غلامعلی خراط‌پور، عسگر حسینی ابرده، محمد مهدی فوقانی، فاطمه حسینی، طاهره خرم، علی اکبر و زیری و غلامرضا لایق مهربانی، گلگون گشته است، روز شهدای سازمان ماست.

هشتم تیرماه روز گرامی داشت خاطره رفقای شهیدی است که درد و ران سلطه دیکتاتوری شاه و در جریان انقلاب شکوهمند بهمن تپای جان به ستیز با امپریالیسم و ایادی آن برخاستند. در زمان حاکمیت جمهوری اسلامی نیز نام خیل عظیمی از رفقای ما، به لوح ایمن شهیدان افزوده شد.

هم اکنون بسیاری از رفقای ما، همراه با انبوهی از مبارزین راه آزادی و استقلال میهن در بند درخیمان رژیم جمهوری اسلامی هستند. تعداد زیادی از این رفقا، از زمره آنانند که در

هشتم تیرماه هر سال یادآور نشست‌ن تیر ظلمت بر قلب یازده ستاره تابناک، از خیل آن اختران پرفروغی است که خستگی ناپذیری و بی‌محابا، در دل خلق می‌رمزیدند، جان بر سرپیمان با خلق می‌نهادند و می‌کوشیدند، در راستای حرکت سازمان مادر در و ران حیات اولیه خویش، نقی خونین بهمن طبقه کارگر زنند.

نبرد خونین این فدائیان دلیر با دشمنی غدار و دمنش، زیاده‌ای بود از آتش خشم توده‌ها با آتشی که دم به دم فروزانت‌تر گشت، تا جایی که کاخ شاهی را با لهیب خویشتن، خاکستر کرد.



هشتم تیرماه، بلافاصله نام رفیق حمید اشرف را با خاطرمی‌آوردم. حمید اشرف ستاره فروزان آن خیل اخترانی است که راه به خورشید می‌برند. با فرو نشستن خنجر سیاهی در دل پرپیش حمید - دلی که سرشار از عشق به زحمتکشان و کینه‌بی‌کران نسبت به دشمنان خلق بود، اندکی نیز از تابناکی این ستاره فروزان، کاسته نشد. پیام او که پایمردی، استوار خستگی ناپذیری، بردباری و هشیاری بود، طنین بیشتری یافت و برای همیشه، منبع الهام ادامه دهندگان راه او گشت.

حمید در خانواده زحمتکشی به دنیا آمده بود. آمیزش و باز زحمتکشان در گرهِ خوردگی بارو حی پرتلاطم و جست‌و‌گر، حمید را از او جوانی به مبارزه سیاسی کشاند. او در سال ۴۲ با رفقای گروه رفیق جزئی آشنا شد. بعد از ورود به دانشکده فنی دانشگاه تهران، شور حرکت انقلابی او را تا حد رهبری مبارزات دانشجویی، ارتقا داد. در ابتدای حرکت سازمان، نقش چشمگیری در هدایت این جریان ستیزنده و بالنده، ایفا کرد. بعد از حماسه آفرینی سیاهکل، او به عنوان یکی از

برخی "افاضات" اخیر ائمه جمعه شهرستانها در مورد جنگ:

• امام جمعه اراك: "آمریکا ما از توپ تو خالی تو نمی ترسیم شیوخ منطقه از ایران می ترسند. باید از اینها پرسید که آمریکا می آید و دعوت شمارا اجابت می کند که اگر بیایند برای ما بهتر است و ما آنها را در اینجا دفن می کنیم و می دانیم کسبه نمی آیند و جرات آن را ندارند. آمریکا اینها را مامور به حفظ خودش کرده و همه اینها منتظر يك حمله هستند يك لقمه هستند. برای جوانان ما اگر بزرگان ما اجازه بدهند رزمندگان ما با يك تكبیر پشت آنها را می شکنند" (روزنامه جمهوری اسلامی ۱۶ خرداد)

• امام جمعه شیروان: "ای مردم متدین، امروز شرکت در جبهه های جنگ بالاترین عبادت است و از روز ه گرفتن صوایش بالاتر است پشیمانید به سوی جبهه ها و جبهه ها را گرم نگه دارید." (جمهوری اسلامی - ۲۰ خرداد)

• امام جمعه شیبستر: "آمریکا و شوروی مشترکا در خلیج فارس مشکلی به جود آورده اند و می خواهند امنیت منطقه را بهم زده و کشورهای اسلامی را فلج نمایند" (همانجا)

• امام جمعه زنجان: "ملتی که این همه شهید داده ... صلح تعمیلی را قبول نخواهد کرد" (همانجا)

• امام جمعه قروه: "شورای امنیتی که يك طرفه قضاوت کند، برای لای کل خوب است" (همانجا)

• امام جمعه جهرم: "وظیفه ماست که فرمان امام رالیهیک گفته و در جبهه ها حضور فعال داشته تا انشاالله به زودی حکومت کفر عراق سرنگون و راه کریملا و قدس بازگردد" (همانجا)

• امام جمعه کردکوی: "اگر نیروهای ما شعار می دهند که تنگه هرمز را کربلایم کنیم، این يك حقیقت است و دشمنان ما آنقدر نقاط ضعف دارند که بایک یورش، مثل صدام به فریادی آیند که دست نگه دارند" (جمهوری اسلامی - ۲۷ خرداد)

• امام جمعه نیشابور: "از دانش آموزان دعوت می کنم تا در جبهه ها حضور داشته باشند و کار جنگ را یکسره کنند" (همانجا)

ضمن يك مصاحبه مطبوعاتی در رابطه با برنامه های هفته مذکور اعلام داشت که "ما راه عسلاچ محرومیتها را بیشتر از طریق سنتی و محلی تشخیص داده ایم" (جمهوری اسلامی - ۲۳ خرداد) منظور عسکراولادی از طریق سنتی و محلی روشن است. به زعم او باید با دادن "صدقه" محرومیتها را برطرف ساخت.

یکی از ائمه جمعه نیز در رابطه با هفته مستضعفین و دادن صدقه به "فقرا" افاضاتی داشته است:

"امروز تمام فقرا را زیاد نبرید بلکه به فکر آنها باشید. زیرا اگر به فکر تقوا نبودید اختلاف طبقاتی به وجود می آید و آن وقت است که فقرا در دامهای خطرناکی می افتند، سعی تان بر این باشد که در هر هفته پولی از خانواده خود را جمع آوری نمایید و بوسیله صندوق خیریه واریز نمایید تا به این همه فوایدی که صدقه دارد، نصیب تان شود." (جمهوری اسلامی - ۲۷ خرداد)

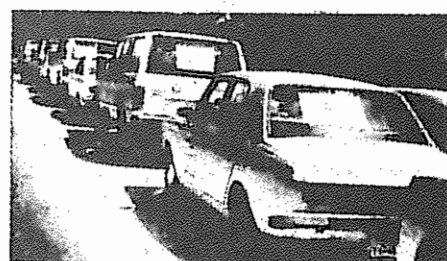
برای ازدواج کردن، باید از شهرها گریزان شد!

بخشی از مصاحبه قائم مقام سرپرست کمیته های انقلاب اسلامی پیرامون "مبارزه با منکرات":

— سؤال: "همانطور که می دانید برای خشکاندن ریشه های فساد و از بین بردن ابتذال فکری چند کار باید صورت بگیرد که یکی از آنها ازدواج است. ۱۰۰۰ نسل جوانی که شاید آثار از فرهنگ گذشته در شان وجود داشته باشد و به دلیل برجیده شدن بی بند و باریها نیاز رومی به ازدواج داشته باشند ولی به دلیل مشکلات اقتصادی یا مسکن نمی توانند اقدام بکنند چه راهی را باید در پیش بگیرند؟"

— حجت الاسلام فلاحیان: "این نسلی که می خواهند ازدواج بکنند و معمولاً نمی خواهند برای ادامه تحصیل به دانشگاه بروند، لذا به هیات هفت نفره مراجعه کنند و بگویند که ما از شهر گریزانیم و می خواهیم مراکز تولیدی کار بکنیم" (تاکید از ماست - کیهان ۲۱ خرداد)

گشت امر بمعروف و نهی از منکر آغاز بکار کرد



وظیفه اصلی این گشت مبارزه با زنانی است که "در زمینه حجاب، خباثت به خرج می دهند" (خامنه ای)

در حاشیه

'سیاست بازی' در جبهه ها

خامنه ای که سه هفته پیش نسبت به وجود "میکرهای سیاسی" در جبهه ها اعلام خطر کرده بود، در مراسم فارغ التحصیلی پاسداران شرکت کننده در طرح "مالک شتر" گفته است: "اگر چنانچه افرادی در جبهه های جنگ، در هر لباسی بخواهند با سیاست بازی ذهنها را مغشوش نمایند و به هر کیفیتی به دنبال کارهای سیاسی بروند، به هیچ وجه قابل قبول نیست و باید جلوی آنها گرفته شود" (کیهان - ۲۲ خرداد)

مسئله خامنه ای از "سیاست بازی" در چارچوب حزب فراگیر جمهوری اسلامی حصر نمی زند. منظور او به يك اعتبار این است که هیچ کس حق ندارد در جبهه ها، به آخرو عاقبت این جنگ خانمان برانداز فکر کند و در این زمینه با دیگران بحث نماید.

در مراسم مذکور، خامنه ای بر این نکته نیز تاکید می کند که نباید در جبهه ها "دچار ملاحظه کاری، ترس و یا ضعف روحیه شویم". هر کس که در طی مدت حاکمیت این رژیم، اندکی نیز به فرهنگ و شیوه سخن گفتن سران آن آشنا شده باشد، می تواند از این سخنان خامنه ای به وجود تردید و مخالفت با جنگ و به زعم رئیس جمهور "ملاحظه کاری، ترس و ضعف روحیه" در جبهه ها، پی ببرد.

درجه "خودکفایی" و "استقلال"

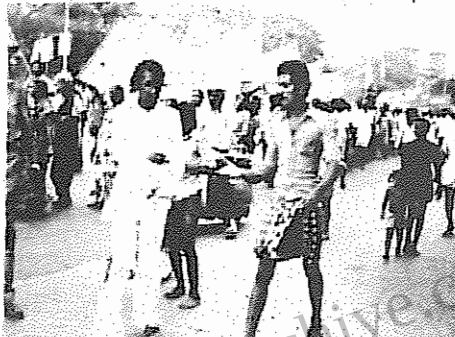
روابط عمومی گمرک ایران، در روزنامه کیهان ۲۲ خرداد، اعلام کرده است که در فروردین ماه ۶۳ مقدار ۱۴۶۲۱۷۸ تن کالا به گمرکات عمده کشور وارد و ۳۶۵۰ تن کالا، خارج شده است. تنها استناد به این ارقام می تواند پوچی ادعاهای رژیم پنهانی به "خودکفایی" و "استقلال" را بر ملا سازد. با دقت بر روی این ارقام و حساب نسبت وزنی واردات به صادرات که برابر ۴۰۰/۶ است می توان تا حدود زیادی به درجه "خودکفایی" و "استقلال" در رژیم جمهوری اسلامی پی برد.

از "حاکمیت مستضعفین" تا "صدقه ای برای مستضعفین"

در جمهوری اسلامی از کوه شعاعار بر طمطراق "حاکمیت مستضعفین" موش هفته کم که به مستضعفین "زاده شده و برگزار مراسم این هفته به عسکراولادی معلوم الحال محول گردیده است. عسکراولادی روز ۲۲ خرداد

تظاهرات و گرد همایی در شهر مدرس هندوستان در اعتراض به سیاستهای سرکوبگرانه رژیم ج.ا.

سپس جلسه با سخنرانی رفیق کانسان رئیس کنگره سراسری اتحادیه های کارگری هندوستان شهر مدرس، افتتاح شد. آنگاه رفیق راجاوهان دبیر اول کنگره سراسری اتحادیه های کارگری در شهر مدرس سخنرانی نمود و ضمن افشای جنایات رژیم جمهوری اسلامی و دفاع از زندانیان سیاسی ایران، همبستگی شهر مدرس را با مبارزات مسرمد ایران و نیروهای مترقی، بخصوص حزب توده ایران و سازمان فداییان خلق ایران (اکثريت) اعلام کرد. پس از آن نمایندگان احزاب و



سازمانهای مختلف که مجموعاً ۲۰ نفر بودند، سخنرانی و اعلام همبستگی نمودند. سخنرانان اصلی جلسه عبارتند از:

۱ - رفیق راجاوهان: دبیر اول کنگره سراسری اتحادیه های کارگری هندوستان - شهر مدرس.

۲ - رفیق ک - مانیکام: عضو هیئات اجراییه حزب کمونیست هندوستان - استان تامیل نادو.

۳ - رفیق پادمانا: عضو هیئات اجراییه حزب کمونیست هند (مارکسیست) و کاندیدای پارلمان هندوستان.

۴ - رفیق وراتاجان: معاون دبیر اول کنگره اتحادیه های کارگری هندوستان - استان تی.ان.

۵ - رفیق جایکان تان: سرشناسترین نویسنده استان. تی و رئیس فدراسیون ملی نویسندگان مترقی هند (ایالتان تی).

۶ - نماینده هواداران حزب توده ایران و سازمان فداییان خلق ایران (اکثريت).

در این جلسه نمایندگان سازمانهای زیر نیز طی سخنرانیهای کوتاهی، همبستگی خویش را با زندانیان سیاسی و مبارز مردم ایران، اعلام نمودند.

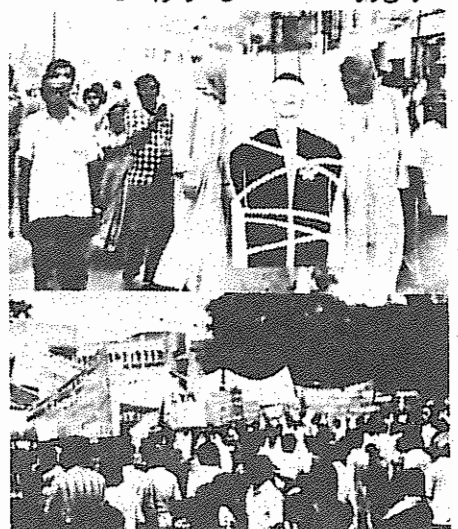
- فدراسیون ملی زنان هندوستان - انجمن دموکرات - انجمن شاعران تامیل - انجمن هنر و ادبیات تامیل نادو - فدراسیون جوانان دموکرات هندوستان - فدراسیون سراسری دانشجویان هندوستان - فدراسیون

اتحادیه های کارگری، دانشجویان، جوانان، زنان، نویسندگان، شاعران مترقی کارکنان بانک ها و نیز پست و تلگراف هندوستان، به همراه جمعی از دانشجویان سبودانی، افغانی، فلسطینی، سری لانکایی و تعداد زیادی از دانشجویان ایرانی، در روز ۷ ژوئن، تظاهرات باشکوهی در شهر مدرس هندوستان، برگزار کردند.

این تظاهرات، به ابتکار دانشجویان هوادار سازمان فداییان خلق ایران (اکثريت) و حزب توده ایران، سازماندهی شد و هدف اصلی آن اعتراض علیه دستگیری، شکنجه و کشتار انقلابیون در ایران و نیز علیه جنسیت خائن نسو ز ایران و عراق بود.

روزنامه های شهر مدرس، عکسها و مقالات متعددی از این تظاهرات باشکوه چاپ کردند.

تظاهرات در ساعت پنج و نیم بعد از ظهر روز ۷ ژوئن، از یکی از شلوغترین نقاط شهر مدرس شروع شد. بسیاری از مردم غریب و اعتراض تظاهرات کنندگان را شنیدند که شعار می دادند: "شکنجه و کشتار و اعدام انقلابیون را در ایران متوقف کنید!"، "جنگ را قطع کنید!"، "زنده باد حزب توده ایران!"، "زنده باد سازمان فداییان خلق ایران (اکثريت)!" و "مرگ بزرگ امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا". تظاهرات در ساعت ۷ بعد از ظهر، در مقابل سالن سخنرانی اتحادیه کارکنان بانک، اختتامه یافت. پس از آن انبوه جمعیت تظاهرات کنند همسالان سخنرانی وارد شدند. سالن مملو از جمعیت شد.



Madras rally condemns Iranian regime

دانشجویان هندوستان - سازمان جوانان دموکرات افغانستان - اتحادیه جوانان دموکرات بحرین - اتحادیه عمومی دانشجویان ایلام (سری لانکا) - سازمان جوانان دانشجویان دموکرات سودانی - هواداران جبهه خلق برای آزادی فلسطین - هندوستان

این سخنرانان همگی قاطعانه رژیم جمهوری اسلامی را محکوم کردند و اعلام نمودند که رژیم خمینی در حرف خود در تضاد با سیاست می نامد. در حالی که در عمل دست در دست است امپریالیسمی گذارد و اعلالی را انجام می دهد که شاه ناتمام گذاشت.

در خاتمه قطعنامه ای در محکوم کردن رژیم جمهوری اسلامی توسط شرکت کنندگان صادر شد که طی آن جنایات رژیم جمهوری اسلامی و اصرار این رژیم در تداوم جنگ، محکوم گردید.

یادی از مبارزات...

بقیه از صفحه ۷

زخمی گشتند و سازمان دهندگان اعتصاب، از جمله فدایی شهید، رفیق محمد چوپانزاده (اوسمد) بازداشت و روانه شکنجه گاهها گردیدند.

تجارب متعدد و تجربه سالهای اخیر کشورمان نشان می دهد که توسل به اختناق و ترور و سرکوب فاشیستی هیچکدام نمی تواند سیل خروشان حرکت کارگران را سد کند. شاه ببا آنهمه دستگاه سرکوب گر رنگارنگش نتوانست با برآه انداختن کشتارهایی نظیر کشتار کارگران کوره پزخانه ها، به حیات تنگین خود ادامه دهد. و همین کارگران بودند که با بهره گرفتن از اعتصاب همگانی - این خربه کاری و آموزنده زخمکشان - انقلاب بهمن را به پیروزی رساندند. اکنون که پنج سال از انقلاب بهمن می گذرد، شرایط کار و زندگی کارگران کوره پزخانه ها، همچون سایر کارگران، همان شرایط پیش از انقلاب و در مواردی ظالمانه تر از آن است و این همه نتیجه مستقیم زیرپا نهادن وده های است که رهبری انقلاب به کارگران داده بود. تردید نیست که با مواعید دروغین و توسل به قوانین ارتجاعی نمی توان کارگران و زخمکشان را از مطالبات برحقشان منصرف کرد. طبقه کارگر کشورمان با تکیه بر سنتهای گرانقدر مبارزاتی خویش، مخصوصاً با بهره گیری از تجارب چند سال اخیر، بی شک آینده را از آن خود خواهد ساخت.

تصویری از يك فلاکت واقعی

خوراکی مردم چه سال نیکویی، در پیش رودارد. مردم اکنون بیشتر، در رابطه با "نان" احساس نگرانی می کنند و می دانند که "خریزه آب است" از قرائین و شواهد زیادی پیداست که به زودی بحران کمبود تولید گندم، کمبود قوت لایموت مردم را به صورت پدید آمده ای، به مراتب محسوس تر از تابستان سال گذشته در خواهد آورد.

ثابت ماندن نرخ خرید دولتی گندم، در حالی که نرخ دیگر محصولات کشاورزی، به نحو سرسام آوری، بالا رفته اند (البته به نفع میدان داران و توزیع کنندگان عمده و نه کشاورزان) باعث شده است که مقدار زیادی از زمینهای که زیرکشت این محصول بوده اند، به صیغی کاری اختیاص یابند. سیاستهای تشویقی بی رمق دولت و حتی توسل جستن به اعمال جبر اقتصادی و غیراقتصادی نیز نتوانسته است که گشای این مسأله باشد. در این میان، مقدار زیادی از گندم تولید شده، سراز بازار آزاد درمی آورد و به دوسه برابر نرخ دولتی به فروش می رسد. دولت کوشش می کند گناه کمبود گندم را به گردن دهقانان بیندازد و از هم اکنون، آنان را در بحران ناشی از کمبود این محصول، مقصر جلوه دهد. این امر از آن روست که رژیم هر عرصه را منتزع از سیاستهای خائنانانه خود در رابطه با تداوم جنگ و امتیاز دهی به کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان، می نگرد. در این میان مضحک تر از همه آن است که در رابطه با ابعاد و حشمتان و خرد کنندگی گران و کمبود کالاها، گهگاه سران رژیم نیز با مردم همدردی نشان می دهند و خود نیز از این امر، شکوه و شکایت می کنند. آنها همواره به مقداری کلی گویی بی محتوا و نصیحت محترکین بسنده کرده و طبق معمول مردم را به خاطر موقعیت جنگی، به صبر و تحمل، فرامی خوانند.

مردم میهن ما باین موعظه های سران رژیم، با تسخر و نفرت می نگرند. آنها در تجربه روزمره خود هر روز بیش از پیش پی می برند که ریشه "فلاکت" کنونی را، باید در تداوم جنگ خائنان برانداز و "عنايات خاصه" جمهوری اسلامی، نسبت به "تجار محترم"، ملاکان و کلان سرمایه داران جست.

رژیم در برخورد با بحران اقتصادی که یکی از اجزای اصلی بحران عمومی حاکم بر کشور است، دچار گنج سری است. اما مردم دیگر شاخص های اصلی راه برون رفت از این بحران را به روشنی درمی یابند. در حال حاضر در راس همه این شاخص ها، شعار صلح قرار دارد. این شعار در پیوند با مبارزه علیه غارتگری سرمایه داری و سیاستهای ضد مردمی حاکمیت، در فرا راه جنبش مردم ستندیده میهن ماست.

بقیه از صفحه ۶

"مرزی" که این کالاها همراه با سایرین بدان رسیده اند، تا تهاجم بعدیشان، از جانب دولت به رسمیت شناخته می شود. برای این که جلوه ای از درماندگی دولت را در برخورد با این "بازار شام" ببینیم، به گوشه هایی از صاحبیه یجنوری قائم مقام ستاد بسیج اقتصادی کشور در اوج "بحران" سیبویی و هندوانه "استفاده می کنیم. وی می گوید: "توزیع میوه و تره بار در حال عادی (۱) خود را طی می کرد که يك مرتبه ما متوجه شدیم، قیمت سیب زمینی بدون دلیل (۲) بالا رفت و این محصول در بازار کمیاب شد. (بعد) يك مرتبه ما در چند روز اخیر متوجه شدیم که هندوانه کم شد و حس کردیم برای کمبود هندوانه هم باید مسأله ای باشد و گرنه دلیل ندارد که ظرف يك یا دو روز يك مرتبه در سطح شهر حتی يك هندوانه هم پیدا نشود و اگر هم پیدا شود بانرخی بسیار بالا که واقعا اجحاف به مصرف کننده است." (کیهان ۲۱ خرداد - تاکید از ماست)

قائم مقام ستاد بسیج اقتصادی کشور، در این مصاحبه به برخی از تلاشهای مذبحخانه دولت برای مداخله در بحران "سیب زمینی و هندوانه" نیز اشاره می کند. از يك سری عوامل مجهول الهویه حرف می زند و بالاخره با وقاحت تمام می گوید: "نمی توانیم الان بطور دقیق بگوئیم مسئول این مسایل چیست، مردم نباید انتظار داشته باشند که همین الان عوامل و افرادی که از این مسأله سوء استفاده کردند، معرفی شوند." (اطلاعات - ۲۱ خرداد)

وی در بخش دیگری از مصاحبه مذکور جمله ای بر زبان می آورد، که توصیف کننده درماندگی کامل دولت است. او می گوید: "هر چه جلوتر برویم مشکلات زیاد تر می شود." ما نیز در این مورد با جناب قائم مقام ستاد بسیج اقتصادی هم عقیده ایم و برای این که به یکی دیگر از مشکلات عمده ای که در این عرصه در جلوی پای دولت است اشاره داشته باشیم، لازم می بینم که اندکی به "بحران نان" که "علايم ظهور" آن مدتهاست آشکار شده است، بپردازیم.

بررسی مختصر ما تاکنون در این گزارش، نشان می دهد که محصولات کشاورزی در میان سایر کالاها، مصرفی در سال جاری، بیش از رشد قیمت آنها بود. از همان ابتدای بهار امسال معلوم بود که دولت در رابطه با مایحتاج

آسوده "به کار متشنج کردن منطقه خلیج فارس" بپردازد، بدون اینکه نگران این باشد که اجرای نقشه های نظامی، به منافع اقتصاد پیش صدهای اساسی وارد آورد.

ادامه دارد

نقش امپریالیسم امریکا

بقیه از صفحه ۳

نظامی، نقش زیادی ایفا کرد. و باز ایستگاه آمریکا است که به نوشته "نیوزویک"، علاقه مفرطی به ادامه جنگ به صورتی دارد که "هر دو طرف بازنده باشند". "برنده" هم در این میان واضح است که کیست: آمریکا و متحدان استراتژیکش اسرائیل. اسحاق شامیر نخست وزیر اسرائیل او اخرا مه امسال گفت: "جنگ ایران و عراق... به اسرائیل امکان داده است موقعیت جهانی خود را تحکیم کند."

آیا به راستی تنگه هرمز

شریان حیاتی غرب و بویژه آمریکا است؟

علاوه بر تدارکات فوق الذکر، يك نشانه مهم از قدماتی که آمریکا برای توطئه های نظامی خود در منطقه انجام داده است، کاهش سهم خلیج فارس در فهرست منابع نفتی این کشور می باشد، بطوریکه اگر تا چند سال پیش قطع صد و رفت از طریق "تنگه هرمز" (مدخل خلیج فارس) به اقتصاد غرب لطفاً جبران ناپذیری وارد می کرد، اینک ایستگاه کشورهای صادر کننده نفت هستند که حیات و معاششان به صد و رفت خلیج بستگی دارد و نه کشورهای پیشرفته سرمایه داری. روزنامه انگلیسی تایمز همزمان با اوج گرفتن "بحران تنگه هرمز" نوشت: "تنگه هرمز دیگر شریان حیاتی غرب نیست، و غرب بستن آن برای مدت معینی را می تواند تحمل کند." این خود افشاکری درست، موقعی انجام گرفت که مقامات آمریکا با حارارت بسیار "استدلال" می کردند که "چون تنگه هرمز برای ماحیاتی است، بستن آن حتی برای يك روز را هم تحمل نخواهیم کرد و مداخله نظامی خواهیم نمود." این ادعا، يك دروغ بزرگ پیش نیست. در حالی که اروپای غربی ۵۶ درصد و ژاپن ۶۸ درصد نفت وارداتی خود را از کشورهای خلیج خریداری می کنند، منابع نفت این منطقه تنها ۲۰ درصد واردات نفتی آمریکا را تشکیل می دهد. اوایل ماه مارس سال جاری "هاآل" و "زیبر انرژي" آمریکا با لاف زنی اظهار داشت: "آمریکا برای بروز اختلالات در صد و رفت از خلیج، بیش از هر کس دیگر آماده است." حقیقت نیز این است که در چند سال اخیر، ذخیره نفتی استراتژیک آمریکا از ۱۱۰ میلیون بشکبه به ۳۸۵ میلیون بشکبه افزایش داده شده است. "واشنگتن پست" و "اواخر فوریه نوشت: "عربستان سعودی که قبلاً بزرگترین منبع نفتی آمریکا بود، اکنون بعد از مکزیک، کانادا، ونزوئلا، بریتانیا و اندونزی در مقام ششم قرار دارد." و این نتیجه تدارکات ۷ ساله (۱) آمریکا است.

بدین ترتیب، کمترین لطمه را از کاهش یا قطع صد و رفت خلیج فارس آمریکا خواهد دید. در چنین شرایطی، آمریکایی تواند "با خیال



رویدادهای جهان

هشدار یمن دموکراتیک نسبت به افزایش حضور نظامی آمریکا در منطقه خلیج فارس

علی ناصر محمد رهبر یمن دموکراتیک نسبت به اوضاع منطقه خلیج فارس اظهار نگرانی کرده و در این مورد هشدار داده است. وی گفت: "افزایش حضور نظامی آمریکا در منطقه خلیج فارس و از یادش بیا که هم‌پای نظامی آمریکا در خاور نزدیک، خطری واقعی برای ملت‌های عرب به وجود آورده است. این خطر در شرایط جنگ ایران و عراق که تقریباً چهار سال است که ادامه دارد، به میزان زیادی افزایش یافته است."

تلاش‌های شبه نظامیان دست راستی در لبنان برای کمک بیشتر به اشغالگران

در پیرو ت‌شبه نظامیان دست راستی که متحدین اسرائیل در لبنان اند، برنامه‌ای شده از جانب رشید کرامی برای ایجاد امنیت و ثبات در این کشور را رد کرده‌اند. سخنگوی این شبه نظامیان گفته است: "گروه‌های مسلح وابسته به حزب کثابت حاضر به تـسـرک مواضع خود در درگیری‌ها، نیستند." در این رابطه روزنامه "السفر" نوشته است که گروه‌های فالانژ برای پیاده کردن نقشه‌های اسرائیل در لبنان تلاش جدی‌تری را برای ایجاد اغتشاش و حران، تدارک می‌بینند.

شهادت يك معدنچی اعتصابی در انگلستان

"جو گرین" معدنچی انگلیسی که در چارچوب اعتصاب سراسری کارگران معادن این کشور، ورود و خروج به یک نیروگاه را کنترل می‌کرد، با کامیونی که علیرغم اعتصاب به نیروگاه وارد می‌شد، تصادم نموده و به شهادت رسید. در مراسم خاک سپاری او، ۱۲ هزار معدنچی شرکت کردند. در این مراسم، آرتور اسکارکیل رهبر اتحادیه معدنچیان انگلیس، بار دیگر اعلام کرد شرکت کنندگان در اعتصاب تا پیروزی به مبارزه خود ادامه خواهند داد.

"جو گرین" دومین قربانی در جریان اعتصاب سراسری معدنچیان انگلیس است که چهار ماه از آغاز آن می‌گذرد. در آغاز اعتصاب، در جریان زد و خورد با پلیس، "دیویس جونز" کارگر معدن، کشته شد. از آغاز اعتصاب تا کنون ۴۰۰ تن زخمی و سه هزار نفر بازداشت شده‌اند. هدف اعتصاب، جلوگیری از نقشه تعطیل معادن توسط دولت و بیکار شدن ۱۲ هزار کارگر است.

اعتراض سندیکا‌های شوروی به رفتار پلیس انگلستان

سندیکا‌های اتحاد شوروی در تلگرام‌های مختلفی به سازمان بین‌المللی کار و مارگارت تاچر نخست‌وزیر انگلیس بر علیه برخورد وحشیانه پلیس با معدنچیان اعتصابی به شدت اعتراض نمودند. شورای مرکزی سندیکا‌های اتحاد شوروی نیز در تلگرام خود، خواستار بررسی دقیق حرکات پلیس انگلیس و پایمال نمودن حقوق سندیکایی در این کشور گردیده‌است.

شهادت دوزندانی دیگر در زندانهای ترکیه

روز دوشنبه هفته گذشته، دوزندانی سیاسی دیگر ترکیه در جریان اعتصاب غذا در زندان استانبول درگذشت. بدین سان تعداد زندانیانی که تاکنون به دلیل اعتصاب غذا، جان خود را از دست داده‌اند، به چهار نفر رسید. در حال حاضر ۱۲ نفر دیگر، در حال اغما بسر می‌برند. لازم به یادآوری است که ۲۶۶ زندانی سیاسی ترکیه، که ۲۶ نفر آنها زن هستند، از فروردین ماه در زندان استانبول اعتصاب غذای خویش را آغاز کرده‌اند.



زندان نظامی "سلطان احمد" در استانبول نمونه‌ای دیگر از چپ‌آوازه افکندن و در راست شدن

خیوسام فان، یکی از رهبران راهزنان پول پوتی که بر علیه کامپوچیا دموکراتیک دست به خرابکاری می‌زنند، اخیراً اعلام نمود که "وضعیت کامپوچیا کوچک و ضعیف برای استقرار یک سیستم سوسیالیستی در آن، مستعد نیست. بنابراین باید در جهت استقرار یک رژیم لیبرال سرمایه داری تلاش نمود."

این سخن اکنون اساس برنامه بانندی است که در زمان سلطه بر کامپوچیا به خاطر پیاده ساختن یک برنامه باصطلاح "نواب کمونیستی" ۳ میلیون تن، راقتل عام نموده است.

خروج سه هزار نیروی داوطلب ویتنامی از کامپوچیا

در روز دوم تیرماه جاری، حدود سه هزار داوطلب ویتنامی که بعد از انجام وظیفه

انترناسیونالیستی شان، کامپوچیا را به دنبال برقراری ثبات بیش از پیش در این کشور، تـسـرک کرده بودند، وارد شهر "هوشی مینه" واقع در جنوب ویتنام شدند. این سومین خروج یاجدهای ویتنامی از کامپوچیاست. در آستانه این اقدام، اجتماعات انبوهی در کامپوچیا تشکیل شد. نمایندگان ملت این کشور، از این که برادران ویتنامی شان به آنها در پاسداری از دستاوردهای انقلابیاری رسانده‌اند، ابراز سپاسگزاری کردند.

دستگیری رهبران حزب کمونیست دومینیک

نایسیر وایزاکنده، رهبر حزب کمونیست دومینیک و دو نفر دیگر از اعضای کمیته مرکزی آن، و نیز خولیو وینا والدس رهبر سندیکا کارگری، روز چهارشنبه هفته گذشته، توسط رژیم دومینیک دستگیر شدند. در هفته‌های اخیر، رژیم دومینیک اقدام به دستگیری رهبران احزاب چپ و دموکرات نموده است.

ماه ابراز همبستگی با مبارزه مردم کره

محافل اجتماعی مترقی کشورهای مختلف از روز ۲۵ ژوئن به مدت یک ماه به شکل‌های مختلف همبستگی خود را با مبارزه مردم کره برای خروج نیروهای خارجی از اراضی کره جنوبی و تأمین وحدت خاک این کشور با تکیه بر اشکال مسالمت‌آمیز و دموکراتیک، ابراز می‌دارند.

۳۴ سال پیش، رژیم سئول به تحریک و تحت حمایت امپریالیسم آمریکا، فبادت به تهاجم وسیع و خونینی علیه جمهوری دموکراتیک خلق کره نمود. اوضاعی که پس از جنگ جهانی دوم در شبه جزیره کره پدید آمد، مورد پسند واشنگتن واقع نبود. پیدایش دولت زحمتکشان یعنی جمهوری دموکراتیک خلق کره که سوسیالیسم را به عنوان راه رشد خود برگزیده بود، به مثابه خاری بود در چشم امپریالیسم.

تهاجم امپریالیستی به کره شمالی به شکست منجر شد و در ماه ژوئیه سال ۱۹۵۳ امپریالیسم و ایادی آن مجبور شدند به قرارداد متارکه جنگ، تن بدهند.

با عقد این قرارداد تحریکات امپریالیسم بر علیه خلق کره خاتمه نیافت، اکنون بیش از ۴۰ هزار سرباز آمریکایی مجهز به انواع سلاح‌های پیشرفته از جمله وکهای هسته‌ای، در کره جنوبی مستقرند. هم اکنون پنتاگون در حال تهیه نقشه استقرار اسلحه نوترونی و وکهای بالدار در خاک کره جنوبی است.

تنها خروج نیروهای ایالات متحده آمریکا همراه با تمامی سلاح‌های مرگ‌آورشان، می‌تواند گام اول حل مسالمت‌آمیز مسائل شبه جزیره کره باشد. این نکته سر فصل تمامی پیشنهادهایی است که برای وحدت و بهروزی خلق کره ارائه می‌شود.



اول ماه مه در کارخانه جنرال موثور و ایران ناسیونال

درواز ۱۱ اردیبهشت (اول ماه مه) جشن همبستگی جهانی کارگران، انجمن اسلامی کارخانه جنرال موثور دست به یک اقدام نمایشی زده و برای عوامفریبی مباردت به توزیع شیرینی در میان کارگران می کند. این اقدام با سردی کارگران مواجه می شود. آنان به انجمن اسلامی و مدیریت کارخانه اظهار می کنند که به جای دادن شیرینی می بایست این روز تعطیل اعلام می گردید در همین روز خلخال (نماینده مجلس شورای اسلامی از قم) در کارخانه ایران ناسیونال سخنرانی داشت. کارگران به اجبار و با آزاره در این جلسه حاضر می شوند. آنها برای این که ناراضی خود را از تعطیل نشدن این روز، و تنفر خود را نسبت به مبلغین رژیم و سیاستهای ضد کارگری آن ابراز دارند همگی به تدریج دم می گیرند و می گویند "حیدر، حیدر... قابل توضیح است که تکرار نام حیدر در سربال سریداران که اخیدرتو یزیدون به نمایش گذاشته شده شاخص سرآغاز یک قیام و پیوستن دهقانان و زمینکشان به یک حرکت خلقی بر علیه خان مغول است. خلخال که بنیاد بی اعتنایی کارگران و پس از آن با این حرکت بسیار پرمعنایشان مواجه می شود، سخنرانی خود را ناتمام گذاشته و با عجله سالن را ترک می کند.

تعطیلی ۲۰ مدرسه ارامنه

آموزش و پرورش جمهوری اسلامی که زیر نظر و زیر حجتیه ای آن ضد مردمی ترین و ارتجاعی ترین سیاستها را اجرا می کند، مدتی به نقض خشن حقوق هم میهنان ارمنی می پردازد و نه تنها با تدوین تعلیمات دینی دانش آموزان ارمنی به زبان مادری خود آنها مخالفت می کند بلکه می خواهد "شرعیاتی" که "مکتبیان" فشری و مرتجع به اسام تعلیمات دینی برای آنها نوشته اند را به مدارس ارامنه تحمیل کند. این امر با مقاومت یکپارچه دانش آموزان و خانواده های ارمنی روبرو بوده است. دانش آموزان از دادن امتحان خودداری ورزیده و ورقه سفید تحویل داده اند. در نتیجه اجحافات آموزش و پرورش و مقامات دانش آموزان ارمنی ۲۰ مدرسه ارامنه تعطیل شده است.

جنگ: ویرانی، کشتار، آوارگی و اعتراض مردم

همزمان با "تدارکات" جنون آمیز رهبران جمهوری اسلامی برای یک حمله وسیع دیگر به خاک عراق، اعتراضات مردم به سیاست خائنانه، جنایتکارانه و ضد ملی "جنگ، جنگ تا پیروزی" گسترش می یابد.

در پی بمباران هوایی شهرهای خرم آباد، کوهدشت و پل دختر توسط رژیم جنایتکار عراق، اکثر مردم این نواحی خانه و کاشانه خود را ترک کرده، به مناطق کوهستانی پناه برده اند و یا در منطقه ای بنام "تنگه قله" ناچار به اسکان یافتن پیش از بمباران و پس از اطلاعیه عراق مبنی بر حمله به شهرها، نیز عده ای از مردم سراسیمه شهرها را ترک کردند. همچنین حمله و شلیک رژیم عراق به شهرهای جنوب ایران نیز موجب گردیده اهالی این شهرها به روستاهای اطراف رفته و یا اینکه در چادرهایی در خارج از شهرها به سختی زندگی کنند. خبر دیگری از آوارگی حاکمی است تعدادی از اعضای سپاه پاسداران این شهر در اعتراض به سیاست ادامه جنگ استعفا کرده اند. استعفا آنها پذیرفته نشده است. گفته اند ما خود شما را خارج می کنیم.

در پی عملیات شکست خورده رژیم و سهم به خیر و والفجر و... جنازه های کشته شدگان جنگ که بروی هم انباشته شده بودند جهت دفن در کامیون های سرشته به شهرها مختلف حمل گردیدند.

یکی از زندگانیان این میوه ها کما زوی خون و تحف و جنازه های حمل شده به بهشت زهرا پی به بعد فاجعه برد بود، تحت تأثیر این جنایات دچار جنون شده و در یکی از بیمارستانهای تهران بستری است.

موج جدید اعدام ها نشانه عجز و زبونی سرکوبگران ج.ا.

اخبار رسیده از زندانهای سراسر کشور و بخصوص زندان اوین حاکی است که همچنان روزانه تعدادی از زندانیان سیاسی بدست دژخیمان رژیم جمهوری اسلامی اعدام می گردند. صدای رگبار مسلسل و سپس تیر خلاص، که در روز به دفعات به گوش می رسد، نشانه اعدام روزانه ۶ الی ۱۰ تن در اوین است. تشخیص تعداد اعدامها از این طریق، برای کلیه زندانیان سیاسی به امری عادی تبدیل شده است. شاهدان عینی بسیاری، در بهشت زهرا، چگونگی دفن این مبارزین را در حالی که آثار شکنجه بر بدن و اثر تیر خلاص بر پیشانی داشته اند، به چشم دیده اند. خانواده این مبارزین بنسبت از اعدام و دفن فرزندان خویش باخبر می شوند. به آنها می گویند که اطلاع پیدا می کنند، حتی اجازه گریستن بر مزار فرزندان

و برگزاری مراسم سنتی عزائیز داده نمی شود. سرکوبگران جمهوری اسلامی با به راه انداختن موج جدید اعدام زندانیان سیاسی نمیتوانند عجز و زبونی خود را در مقابل قهرمانیها و پایداریهای این فرزندان خلق پیکان دهند. این اعدامها نشانگر ضعف رژیم است نه قدرت او. دیر نیست روزی که مردم، فرزندان مبارزان را در آغوش خود باز یابند.

آخازی از کارگران

در حالی که دستمزد کبونی کارگران به هیچ وجه کفاف مخارجشان را نمی دهد و کمتر همه زمینکشان زیر بار گرانی، و تورم خم شده است رژیم و آیدایان در کارخانه ها هزار گاهای مقداری از حقوق کارگران را برای کمک به جیبه ها و تداوم جنگ خانمانسوز، غصب می کنند. اکنون مدت است که این اقدام، با اعتراض شدید کارگران مواجه می شود. از جمله در روز ۲۵ اردیبهشت ماه کارگران سیما آبیگ، یخاطر کسریک و زحمتکاران آنها بطور "صلواتی" برای جیبه ها، دست به اعتراض شدید علیه انجمن اسلامی و مدیریت کارخانه می زنند.

تغییر طرفداران کاندیدای "مغلوب"

در انتخابات مجلس در شهر اهر، د و نفر روحانی به اسامی موسوی و مهدوی که علیرغم تقلبات آشکار هیچکدام در مرحله اول حایز اکثریت مطلق نشدند، به مرحله دوم راه یافتند. در مرحله دوم، موسوی باز و بند و تقلب، "برنده" شد. در نتیجه، طرفداران مهدوی کاندیدای "مغلوب" دست به راهپیمایی و تظاهرات زدند. دخالت پاسداران و کمیته منجر به دستگیری ۱۰۰ تن گردید که هر روز ۲۰ تن از آنان "تعزیر" می شوند.

AKSARIYAT

NO.13

FRIDAY.29 JUNE 84

آدرس

POSTFACH 23007
6500 MAINZ 23
W. GERMANY

آلمان فدرال

P.O. BOX 101
LONDON N17 8YU
ENGLAND

انگلستان

P.O. BOX 88156
LOS ANGELES, CA 90088
USA

ایالات متحده

C.P. 3125
00122 OSTIA LIDO (ROMA)
ITALY

ایتالیا

P.O. BOX NO 3018
NEW DELHI - 110003
INDIA

هندوستان

مورگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا